

یادی از کاغذباد



روزنامه‌نگار و خراسانی‌نژاد
حسین اجدعی فر

تابستان به ویژه برای نوجوان ها فصل فراغت است و روزهای بازی. در نسل پیش که بازی های دیجیتال هنوز آن قدرها سر بر نکرده بود، بازی جوان ها و نوجوان ها عموماً شکل دیگری داشت. در آن سال ها یکی از بازی های پرهیجان، «کاغذباد هوا کردن» بود و «کاغذباد»، همان چیزی است که حالا جبر فرهنگ مرکزی، به عنوان «بادبادک» شناخته می شود. واژه «کاغذباد» اما واژه ای است قدرتمند در زبان معیار که انصافاً بسیار تصویری تر از بادبادک هم هست و در شعر شاعران فراوان آمده است.

صائب تبریزی دارد که،
به یک دو جلوه زمینگیر گشت کاغذباد

به هیچ جانرسد هر که می پرانندش
کاغذبادها در آن سال ها، نه از این اقلام پلاستیکی حاضر و آماده، بلکه کاملاً دست ساز زیود و مهارت ساختن آن، از جمله مهارت های مهم نوجوانی بود؛ همچنان که کاغذباد هوا کردن. کاغذبادها عموماً هم از جنس کاغذ بودند. پاکت های بزرگ میوه، به ویژه برای ساخت کاغذباد بسیار مناسب بود. بعدها که پلاستیک ها جای پاکت ها را گرفتند، کاغذبادها هم پلاستیکی شدند. قوام و استحکام کاغذباد اما، با بریده هایی از چوب «حصیر» فراهم می آمد که در گویش مشهدی «لوخ» خوانده می شد که نام دیگری است؛ همان گیاهی که به گواه لغت نامه دهخدا، برکنار چشمه ها و آبراه ها می روید. در اطراف مشهد هم چشمه ای هست که به «چشمه لوخی» معروف است؛ چشمه لوخی روزگاری در اراضی پایین دست روستای «حصار گلستان» بود و حالا در بالادست «کوه پارک» و «قله زو»...

کاغذبادها، دنباله ای هم داشتند که آن هم از جنس کاغذ بود؛ نوارهای باریکی که حلقه به حلقه در هم، چسب می خوردند و آماده می شدند. بماند که مشهدی ها به کسی که آویزان کس دیگری باشد همیشه او را همراهی کند هم می گویند «دنباله کاغذباد»...

چند سالی هم که برای این کار استفاده می شد، ماده ای گیاهی بود به نام «سبریش»؛ سبریش در واقع پودری است که از خشک شده ریشه های گیاه «سبریش» یا «چریش» به دست می آید و این گیاه همانی است که بهارها با برگ های شبیه به تره اش، در دشت و دمن می روید و آن هایی که به سبزی های بهاره علاقه دارند، آن را می چینند و در آش و کوکو... استفاده می کنند. واژه سبریش هم از واژه های زبان معیار است؛ چنان که حضرت سعدی دارد که،

زخم شمشیر غمت را نهدم مرم هم کس

طشت ز ریم و پیوند نگیرم به سریش
نسل قدیم مشهدی ها اما به سریش، «سبریش» هم می گفتند که آن هم در شعر شاعران پیشین، فراوان آمده است. مثلاً حضرت نظامی دارد که،

سبویی که سوراخ باشد نخست

به موم و سریشم نگردد درست

این ها را نوشتیم تا هم مهارت در حال فراموشی ساخت کاغذباد را یادآوری کنیم و هم یادآوری کنیم که عمده واژه هایی که در گویش های خراسان همچنان رواج دارند، در واقع واژه های زبان معیار هستند؛ زبانی که اینجادر خراسان پا گرفته و بایلیده است.

زین قدیپار

علیرضا حیدری | مدرس و ویراستاری

از ویژگی های ذاتی دستگاه زبان فارسی ترکیب سازی است. در موارد فراوانی برخی وام واژه ها با استفاده از این امکان و قدرت ترکیب سازی، فرصتی برای افزایش ظرفیت و سرمایه زبانی زبان فارسی شده است. نمونه این وام واژه ها کلمه «خبر» است که به مناسبت ۱۷ مرداد، روز خبرنگار، چند ترکیب ساخته شده با این واژه را مرور می کنیم:

- خبرنگار
- خبرنگوبس
- خبرساز
- خبرگزاری
- خبرده
- خبردار
- خبریاب
- خبرچین
- باخبر
- بی خبر

سایه سنگین سیاست بر فرهنگ

محبوبه عظیم زاده



مثل قدیم پای د که مطبوعات یا مثل این دوره و زمانه با یک جست و جوی ساده در تلفن همراه، در مواجهه با صفحه اول روزنامه ها. آنچه در وهله اول چشم و ذهنمان را نشانه می گیرد، چیست؟ کدام خبر و چه اتفاقی؟ چه میزان از اخبار و موضوعاتی که در حوزه فرهنگ و ادبیات کار می شود، می تواند به عنوان مطلب و عکس یک روی جلد روزنامه بیاید؟ ویترونی که اتفاقاً می تواند با اتکا به این ظرفیت، خیلی خوش رنگ و لعاب تر و پرزرق و برق تر به نظر برسد. اصلاً چه حجمی از مطبوعات ما منحصر در این حوزه کار می کنند و دغدغه پرداختن به مسائل فرهنگی را دارند؟ ما بی که چه شهرتند و چه مسئول، تا وقتی به توفی می خورد می گوئیم فرهنگ سازی نکرده ایم و انگشت اتهام را به سوی دیگری می گیریم، تا به حال از خود پرسیده ایم که چقدر از بستر مطبوعات برای بهره گرفتن در این زمینه استفاده کرده ایم؟ چقدر برای شناساندن چهره های تکرار نشدنی ادبی و فرهنگی این مملکت به مردم تلاش کرده ایم؟ چقدر از آثار شاخص نویسندگان و ادیبان کشورمان گفته ایم که حالا گلاهی می کنیم چرا فرزندانمان فلان هنرپیشه خارجی را می شناسند و آن که متعلق به همین آب و خاک است رانه؟ و یک سؤال مهم تر، اصلاً چقدر این مجال و این اجازه را داریم؟ به نظر می رسد از فرهنگ و ادبیات گفتن و نوشتن در سایه انبوه خبرهای سیاسی و اقتصادی و خط قرمزها و ممیزی های موجود، این روزها سخت تر از همیشه شده. اما مصائب دیگر نوشتن در این حوزه چیست؟ ما پاسخ این سؤال را در کب و گفتی که به مناسبت روز خبرنگار با سه تن از خبرنگاران باتجربه این حوزه داشتیم. جویا شدیم، آرش شفاعی، محمد بهبودی نیا و مهدی نعیمیان هر کدام از ظن خود به این موضوع نگاه می کنند.

● ما درجه یک نیستیم!

آرش شفاعی، دبیر سرویس فرهنگ و هنر روزنامه «جام جم» که از سال ۱۳۷۸ در مطبوعات قلم می زند و بخش عمده فعالیت روزنامه نگاری اش به ادبیات و مسائل فرهنگی مرتبط بوده، معتقد است محدودیت ها و مشکلاتی را که خبرنگاران این حوزه با آن درگیر هستند، می توان به سه بخش تفکیک کرد. اول اینکه، روزنامه های ما اغلب روزنامه های سیاسی و فرهنگی هستند، به این معنا که ویکرد اصلی آن ها مانور روی مسائل و مشکلات جامعه است که در حوزه های سیاسی و اقتصادی وجود دارد. علاوه بر این، مدیریت رسانه ها هم به نحوی پیش رفته است که رسانه ها را بیشتر افراد سیاسی تشکیل می دهند. چنین رویه ای باعث می شود در مجموع ساختار رسانه های ما، حوزه سیاسی و اقتصاد بیشتر از دیگر حوزه ها فر به شود و در مقابل، حوزه های فرهنگی و اجتماعی و مانند آن، حوزه های درجه دو و سه به چشم بیاید. شاید بتوان این گونه گفت که در ۹۰ درصد مطبوعات کشور، این نگاه سیاسی و اقتصادی بر نگاه فرهنگی و اجتماعی می چربد. این نگاه، در تعریف صفحات و نیروها، امکاناتی که قرار است در اختیار هر سرویس قرار بگیرد و سهمی که هر سرویس در صفحه اول و ورتیرین روزنامه دارند تأثیر می گذارد. در نهایت، وقتی خبرنگار در سرویسی کار می کند که در ساختار روزنامه درجه یک محسوب نمی شود، به همان نسبت هم می تواند عرض اندام کند،



طی سال های اخیر به دلیل مشکلات متعددی که برای رسانه های کشور ایجاد شده است، بسیاری از دوستان خبرنگار و اهل رسانه که در این حوزه پرورش داده شده و ثابت کرده بودند می توانند این حوزه را سر یا نگه دارند و متحول کنند، یا از رسانه های به رسانه دیگری در آمد و شد هستند و یا حرفه حذف کردن و در مسیر شغلی کاملاً متفاوت پا گذاشتند

محمد بهبودی نیا، دبیر گروه ادب و هنر روزنامه «خراسان» که از سال ۱۳۸۵ وارد عرصه خبرنگاری شده و ۱۰ سال بعد، با فعالیت در روزنامه خراسان به صورت حرفه ای در تدوین حوزه گام برداشته، نیز معتقد است

در کشور ما ادبیات و هنر و پرداختن به معضلات آن در مقایسه با موضوعات اجتماعی، اهمیت کمتری دارد. او می گوید: نباید از این نکته غافل شد که با برطرف کردن بسیاری از مشکلات در این زمینه می توانیم شاهد تأثیرات فراوان در زمینه اصلاح فرهنگی جامعه باشیم. زیرا در جایی که فرهنگ غالب بر شهروندان و مسئولان اصلاح شود، قطعاً شاهد از بین رفتن تعداد زیادی از معضلات اجتماعی نیز خواهیم بود.

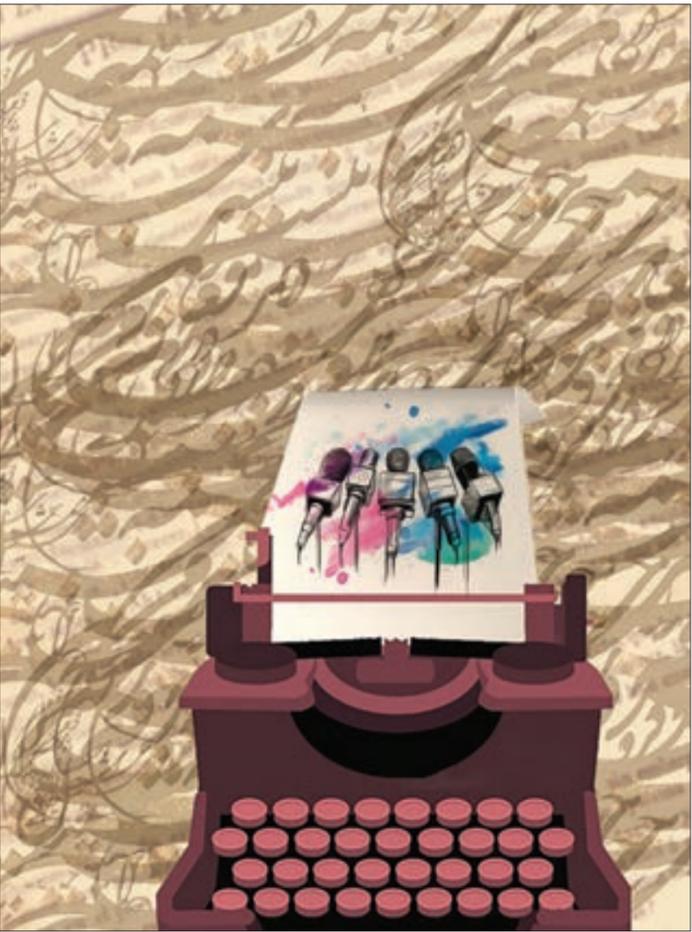
خبرنگاران در شکل گیری سلیقه فرهنگی و هنری مردم نقش دارند بی شک رسالت اصلی خبرنگاران در همه حوزه ها تاباندن توری نقاط تاریک و افشای بسیاری از نا گفته ها است. حوزه ادبیات و هنر نیز از این امر مستثنا نیست. در این حوزه هم افرادی هستند که برای دستیابی به منافع شخصی خود وارد عمل می شوند و با اقداماتی که انجام

خالی خبرنگاران و روزنامه نگاران کهنه کار این حوزه است. طی سال های اخیر به دلیل مشکلات متعددی که برای رسانه های کشور ایجاد شده است، بسیاری از دوستان خبرنگار و اهل رسانه که در این حوزه پرورش داده شده و ثابت کرده بودند می توانند این حوزه را سر یا نگه دارند و متحول کنند. یا از رسانه های به رسانه دیگری در آمد و شد هستند و یا حرفه خود را عوض کردند و در یک مسیر شغلی کاملاً متفاوت پا گذاشتند. در نتیجه، سال به سال مطبوعات ما از چهره های خبره و باتجربه در حوزه ادبیات و فرهنگ بیشتر خالی شد و دقیقاً به همین دلیل، خیلی اوقات انتقاداتی را که به خبرنگاران این حوزه وارد می شود، می توان قبول کرد. رسانه ها نتوانستند آن گونه که شایسته است جای خالی خبرنگاران و روزنامه نگاران صاحب اسم و رسم این حوزه را به خوبی پر کنند.

● با مانور روی مسائل فرهنگی، مشکلات اجتماعی را تقبیل دهیم

محمد بهبودی نیا، دبیر گروه ادب و هنر روزنامه «خراسان» که از سال ۱۳۸۵ وارد عرصه خبرنگاری شده و ۱۰ سال بعد، با فعالیت در روزنامه خراسان به صورت حرفه ای در تدوین حوزه گام برداشته، نیز معتقد است در کشور ما ادبیات و هنر و پرداختن به معضلات آن در مقایسه با موضوعات اجتماعی، اهمیت کمتری دارد. او می گوید: نباید از این نکته غافل شد که با برطرف کردن بسیاری از مشکلات در این زمینه می توانیم شاهد تأثیرات فراوان در زمینه اصلاح فرهنگی جامعه باشیم. زیرا در جایی که فرهنگ غالب بر شهروندان و مسئولان اصلاح شود، قطعاً شاهد از بین رفتن تعداد زیادی از معضلات اجتماعی نیز خواهیم بود.

خبرنگاران در شکل گیری سلیقه فرهنگی و هنری مردم نقش دارند بی شک رسالت اصلی خبرنگاران در همه حوزه ها تاباندن توری نقاط تاریک و افشای بسیاری از نا گفته ها است. حوزه ادبیات و هنر نیز از این امر مستثنا نیست. در این حوزه هم افرادی هستند که برای دستیابی به منافع شخصی خود وارد عمل می شوند و با اقداماتی که انجام

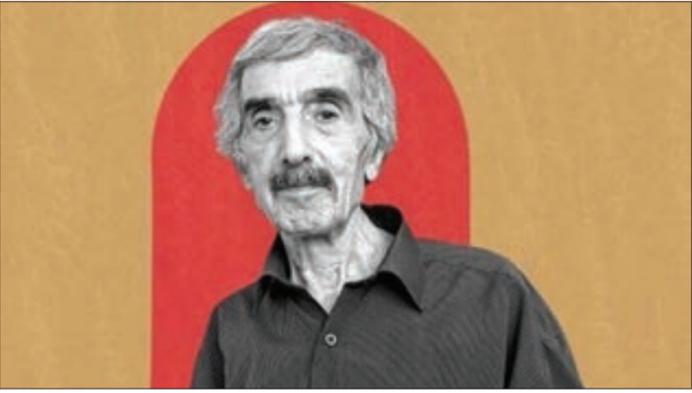


می دهند، آسیب هایی را بر پیکره ادبیات و هنر وارد می کنند. در این مسیر، برخی مسئولان با کم توجهی به این موضوعات دامن می زنند و درست در همین بزنگاه ها است که خبرنگار برای انجام رسالتش وارد میدان می شود تا با آگاهی بخشی به آحاد جامعه، از گسترش بیشترین خبط و خطاها جلوگیری کند. تولید آثار فاقد ارزش هنری در موسیقی، جولان پخته خواران و ناشران جعلی در حوزه نشر و مسائلی چون حذف دروس عمومی و ادبیات از کنکور، همگی در زمره همین مسائل مهم است

که خبرنگاران این حوزه می توانند با پیگیری آن، سمت و سوی جدیدی به آن بدهند. ● در باب تأثیر کلمه مهدی نعیمیان، دبیر خبرنگاران این حوزه که سال ها مجال قلم زدن در رسانه های مختلف را در باب فرهنگ و ادبیات داشته است، می گوید: خبرنگار بودن در حوزه فرهنگ و ادبیات، مثل هر حوزه دیگری نیازمند این است که شما از مهارت های لازم برخوردار باشید. اما نکته مهم تر اینجاست که یک خبرنگار حوزه فرهنگ و ادبیات، چگونگی می تواند در این حوزه، عملکردی مطلوب داشته باشد؟ قطعاً بدون داشتن آگاهی، مطالعه و تلاش برای به روز نگه داشتن خود و حفظ ارتباط با محافل و مجامع مرتبط، این اتفاق رخ نمی دهد.

می دهند، آسیب هایی را بر پیکره ادبیات و هنر وارد می کنند. در این مسیر، برخی مسئولان با کم توجهی به این موضوعات دامن می زنند و درست در همین بزنگاه ها است که خبرنگار برای انجام رسالتش وارد میدان می شود تا با آگاهی بخشی به آحاد جامعه، از گسترش بیشترین خبط و خطاها جلوگیری کند. تولید آثار فاقد ارزش هنری در موسیقی، جولان پخته خواران و ناشران جعلی در حوزه نشر و مسائلی چون حذف دروس عمومی و ادبیات از کنکور، همگی در زمره همین مسائل مهم است

که خبرنگاران این حوزه می توانند با پیگیری آن، سمت و سوی جدیدی به آن بدهند. ● در باب تأثیر کلمه مهدی نعیمیان، دبیر خبرنگاران این حوزه که سال ها مجال قلم زدن در رسانه های مختلف را در باب فرهنگ و ادبیات داشته است، می گوید: خبرنگار بودن در حوزه فرهنگ و ادبیات، مثل هر حوزه دیگری نیازمند این است که شما از مهارت های لازم برخوردار باشید. اما نکته مهم تر اینجاست که یک خبرنگار حوزه فرهنگ و ادبیات، چگونگی می تواند در این حوزه، عملکردی مطلوب داشته باشد؟ قطعاً بدون داشتن آگاهی، مطالعه و تلاش برای به روز نگه داشتن خود و حفظ ارتباط با محافل و مجامع مرتبط، این اتفاق رخ نمی دهد.



کشت؟ نوشته ماریو بارگاس یوسا و «ناپدید شدن» نوشته آریل دورفنم که در سال های ۱۳۶۲ تا ۱۳۸۳ منتشر شده اند، رمان هایی است که احمد گلشیری ترجمه کرد. برخی نویسندگان این آثار برای نخستین بار با ترجمه های احمد گلشیری در ایران دیده و به فارسی زبانیان معرفی شدند. ● زنان سیاه پوش در انتظار جنازه آریل دورفنم نخستین بار «ناپدید شدن» * را با نام مستعار آریک لوهمان منتشر کرد. دورفنم شیلیایی است اما مجرای داستانش در یونان می گذرد، و او برای این دو کار، انتخاب نام مستعار و کنسرتی غیر از کشور خود - یک دلیل داشت، عبور از سانسور. در روستایی در یونان، مردان و پسرانی شبانه و گاه در روز بوده

مروری بر کارنامه احمد گلشیری، مترجم تازه از دست رفته

کاشف «ناپدید شدن»

گروه فرهنگ و ادبیات | عبار آدم هارا می شود با انتخاب هایشان سنجید. انتخاب های احمد گلشیری می گوید عبارش قابل اعتنا و احترام است. آثار ترجمه شده اش را اگر فهرست کنید - از همان نخستین ترجمه که یک گوشه پاکوپرنور، همینگوی بود تا آخرین تلاش ها و تا جایی که بیماری پارکینسون مجال داد قلم دست بگیرد - کار بی مایه در میان نشان نمی بینید، چه در بین داستان های کوتاه دست چین شده اش و چه از ۱۰ رمانی که گزینش کرد. سخت می شود قفسه های کتابخانه یک اهل ادبیات داستانی ایرانی را نگاه کرد و ترجمه ای از احمد گلشیری در آن ندید.



داستان هایی کوتاه اما بلند آوازه داستان های کوتاهی که احمد گلشیری برگزید و ترجمه کرد، نشان می دهد نشست و برخاست ها در مکتب اصفهان، اثرش را گذاشته و او شناخت خوبی از این گونه ادبی دارد و البته سلیقه خوبی هم. مجموعه چهار جلدی بهترین داستان های کوتاه که هر جلد آن در برگیرنده تعدادی از بهترین داستان های کوتاه چخوف، همینگوی، مارکز و جویس است، از محبوب ترین مجموعه هایی است که اهل ادبیات داستانی سراغش می روند. احمد گلشیری آثار این مجموعه را انتخاب کرد و برای هر نویسنده مقدمه ای مفصل نوشت که به شناخت او و آثارش بیشتر کمک می کند.